[حوزه](http://www.hawzah.net/fa/magazine/numberlist/4518)، [خرداد و تیر - مرداد و شهریور 1371، شماره 50 و 51](http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/4518/4541/0)

**مکتب سامراء و تبلیغ**

|  |
| --- |
| تبلیغ اسلام و هدایت وارشاد مردم ازاهداف اصلی حوزه هاست . تحصیل با همه اهمیت آن نه برای تحصیل که مقدمه ای است برای هدایت وانذار مردم . دوری از جامعه و مردم نرساندن پیام خداوند به آنان ضلالت مردم را در پی خواهد داشت .  علاماء بزرگ به این امر بسیاراهمیت می دادند و چه بسیار خود به میان مردم رفته و به تعلیم و تربیت آنان می پرداختند. در زندگی فقیه بزرگ شیعه صاحب جواهر آمده است :  [در بسیاری از موارد خود به سفرهای تبلیغی دست می زد] 1 .  فضلای حوزه را تشویق می کرد که شهرهای دور و نزدیک حتی روستاها و مناطق عشائرنشین کوچ کنند.  در عصر وی به خاطر برانگیختن احساسات و تبیین نیاز مردم به تبلیغ بسیاری از بزرگان حوزه نجف را به قصداقامت و تبلیغ در شهرها و روستاهای مختلف ترک کردند. حرزالدین نقل می کند:  [ اتفق لجماعه من علماءالعرب و فضلائهم ان سکنوا فی قری العراق عند قبائلهم واقاموا فی ضیعاتهم کل ذلک فی عصر صاحب الجواهر و ظهور رئاسته العلمیه والبعض فی النجف منهم هاجرالی الری والشام و المصر والهند] 2 ...  جماعتی از فضلا و علمای عرب در دوره صاحب جواهر به سوی قبایل و روستاهیشان بازگشتند و در آن جا ساکن شدند. عده ای از آنان به سوی ری و شام و مصر و هند مهاجرت کردند.  میرز که از سرچشمه فقه جواهری سیراب شده بود به این مهم بسیار اهتمام می ورزید. در مدرسه سامراز آغاز تحصیل در کنار فقه واصول و درایت و روایت شیوه تبلیغ و مردمداری وارتباط با جامعه آموزش داده می شد. طلاب پس از تکمیل دروس و کسب لیاقت تبلیغی به دیار خویش اعزام می شدند. گر چه مشکلات مرجعیت واداره حوزه و رهبری عمومی تشیع مانع از دور شدن میرزااز سامر بود ولی به امر تبلیغ توجهی خاص داشت . مبلغان و واعظان را گرامی می داشت مبلغان را تربیت کرده و برای ارشاد و هدایت مردم به بلاد دور و نزدیک می فرستاد :  **توجه به وعاظ**  وعظ و خطابه در آن روزگار در کنار نشر رساله و سماله گویی مهمترین وسیله پیام رسانی عمومی به شمار می رفت . سخنرانان در مناسبت های مختلف بعداز نماز جماعت و یا درایام محرم با مردم سخن می گفتند. به شیوه های مختلف همچون : مساله گویی روضه خوانی و وعظ مردم راارشاد می کردند.ایرانیان دراین سنت مقدس پیشگام بودند و خطیبان ایرانی درایران و حتی عراق سخنرانی می کردند. گر چه در حوزه نجف به صورت محدود در میان فضلای حوزه وجود داشت ولی برای بزرگان و مراجع این کار کسرشان و عیب شمرده می شد .  مرحوم شیخ جعفر شوشتری از مراجع و واعظان بنام بود که خود دراین باره می گوید:  [منبر رفتن عار شده است ولی ماین عار را برای رضای خدا قبول کردیم] 3 .  متاسفانه این دیدگاه درایران نیز موثر واقع شده بود تا جایی که منبر رفتن را برای بزرگان و مجتهدان خلاف شان و نامناسب می دانستند. مرحوم طیب در مصاحبه با مجله حوزه درباره مشکلات تبلیغی درایران بویژه اصفهان فرموده است :  درابتداء تبلیغ مشکلات فراوانی داشت که بزرگترین آنه جو حاکم بر شهر بود. در آن جو حتی برای ائمه جماعات منبر رفتن و موعظه کردن را مناسب نمی دانستند تا چه رسد به مجتهدین و کسانی که صاحبان اجازات هستند 4 .  موسس حوزه سامراء علی رغم این جو حاکم اهمیت وعظ و تبلیغ و منبر را در هدایت مردم واحیاء شعائر دینی درک کرده بود و به واعظان و خطیبان میدان فعالیت می داد واز آنان تجلیل می کرد. به آنان هدایایی می داد و برای تشویق و تجلیل از آنان پا همه گرفتاریهای درسی و مرجعیت عامه پای منبرشان می نشست ! .  شیخ شریف جواهر که با همه عظمت و جلالتش منبر می رفت و مقتل امام حسین می خواند در سامر بر میرز وارد شد.  میرزا وی را بسیار عزیز داشت و به وی دو هزار قران ناصری که عطای میرزا بود عنایت کرد. 5  شیخ محمدخراسانی از خطبای ایران بود در روستاها سیاحت و مردم را ارشاد و موعظه می کرد واحکام الهی را به نان تعلیم می داد و فضائل اهل بیت را در میانشان منتشر می ساخت .  [در سال 1311 برای تکمیل دروس خویش به عراق مهاجرت کرد و بر میرزای شیرازی فرودآمد واز زیارتش بهره مند شد. در مجلس میرزا منبر رفت . مجدد بسیار خوشنود شد واو را به این کار ترغیب کرد و به وی شجاعت بخشید و برایش دعا کرد] 6 .  و نیز وقتی سیدمحمدباقر یزدی در ماه رمضان به سامراء مشرف شد بعداز نماز جماعت مجدد منبر می رفت و همه اهل سامراز عالمان و فضلاء و مردم عادی از منبر وی استفاده می کردند. 7  و واعظ شهیر مولف کتاب[ الانوارالقدسیه فی الحکمه الالهیه والعقایدالدینیه] که آن را به اسم میرزا نوشت و به وی هدیه کرد برای طلب علم به نجف آمد. شبها در صحن حضرت امیر( ع ) بر منبر می نشست و با زبان فارسی مردم را موعظه می کرد. مردمان بسیار پیرامونش گرد می آمدند. بحثش درباره اصول دین واستدلالهای اعتقادی بود. 8  ناصر حسین فرزند رشید حامد حسین مولف: [العبقات الانوار] از دیگر کسانی بود که بسیار مورد توجه و علاقه میرزا بود. در مسجد کوفه منبر می رفت . کلامش بسیار پربار و چشمه های دانش از اطرافش می جوشید. با وجود کثرت بحث و جلسات از تکرار و بیهوده گویی پرهیز داشت . مردمان بسیاراز وی استفاده می کردند.از جانب میرزا به[ ناصرالمله] لقب یافت . 9  تشویق میرزااز واعظان و خطباء و علاقه خطیبان به میرز نشانگر اهمیت فوق العاده وعظ و خطابه و تبلیغ دین در مکتب سامراست . دست پروردگان مکتب سامرا نیز به خطیبان و مداحان اهل بیت ارج نهاده و در هر شرائطاز آنان تجلیل می کردند.  مرحوم شیخ عبدالکریم حائری دراین بابت ضرب المثل بود. پای منبر واعظان اهل بیت و مروجان دین می نشست و در عمل از آنان ترویج می کرد. آقای اشراقی می گوید:  حاج شیخ از مرحوم برادر ماشراقی بزرگ که از منبریهای خوب و معروف آن زمان بود ترویج و تشویق می نمودند. عده ای علیه ایشان صحبت می کردند و به مرحوم شیخ می فرمودند: نشستن و به منبر او گوش دادن 10.درست نیست ولی ایشان می فرمودند که : باید از این منبر استفاده شود.  **تربیت واعزام مبلغ**  ازاقدامهای میرزا تربیت واعزام عالمان متعهد برای ارشاد و هدایت مردمان بویژه مردمان مناطق محروم و شهرها و روستاهای خودشان بوده است .این اقدام مایه برکات بسیاری برای بسط معارف اسلامی و حراست از عقاید و باورهای دینی مردم گردید.  از جمله این اقدامات می توان از تربیت مبلغ برای کشمیر نام برد. میرز مدرسه ای برای این کاراختصاص داد که در کناراصول و فقه طلاب آن به تعلیم زبان فارسی و عربی و...اشتغال داشتند.  آقا بزرگ می نویسد:  [شیخ حسن کشمیری در سامرا بر جماعت کثیری ازاهالی تبت کشمیر و نواحی اطراف آن ریاست داشت .این عده همگی در مدرسه به آموختن فارسی و عربی و مسائل دینی و غیره مشغول بودند. واز میرز ماهیانه مقرری دریافت می داشتند. فلسفه وجودی این عده بدین قراراست : یک بار دوازده نفرازاهالی تبت برای زیارت به سامراء مشرف شده و به میرزا عرض کردند که : ما هنوزاز شیخ بهایی تقلید می کنیم و عالمی در میان ما نیست تا مسائل دینمان راازاو بپرسیم و یا عقود ما را جاری کند.از آن پس مرحوم میرزا دست به تربیت این گروه صدنفری زد تا مسائل دینی را بشناسند و به وطنشان باز گردند] 11 .  نوشتیم : میرزا شاگردان مبرز خود ر که صلاحیت تبلیغی داشتند برای هدایت مردم به دیارشان اعزام می داشت از جمله :  [آقا شیخ اسماعیل سمنانی از شاگردان نجف و سامراء میرز بعداز این که در حداعلایی از مراتب علمی قرار داشت میرزااو را به سمنان گسیل داشت] 12 .  میرزا محمدحسین کرمانی بااین که از مجتهدان بنام بود میرز وی را به شیرازاعزام کرد تا بلاد فارس را با تعلیمات و معارف محمدی آشنا کند.  [تشرف المترجم له الی سامراء فحضر علی السیدالمجدد مده طویله و کتب کثیرا من تقریراته منهاالتعادل والتراجیح ... و لمااحس منه المجددالکفائه والبراعه واللیاقه والقابلیه بعثه الی شیراز بعد 1300 فقام هناک بالوظایف بتایید من السیداستاده و صار مرجعا للاحکام و سایرالامور] 13 .  محمدحسین مدت بسیاری را در محضر میرزا تلمذ کرد. بسیاری از تقریرات میرزاز جمله : بحث تعادل و تراجیح را نوشت .  میرزا چون کفایت و لیاقت و قابلیت و کاردانی وی را مشاهده کرداو را به شیراز فرستاد. وی در آن دیار به وظائف خویش با تاییدات استادش بپاخواست و مرجع احکام و سایرامور مردم گردید.  در مواردی کسانی که صلاحیت هدایت وارشاد مردم را داشتند بااین که خود علاقمند به ماندن در سامراء بودند میرزا آنان را به مراجعت به اوطان خویش ملزم می ساخت .  از جمله درباره شیخ علی یزدی نوشته اند:  [شیخ علی یزدی از علماء زاهد و واعظان عابد و ریاضت ورزان مجاهد و فقهاء عادل بود. علم و عمل را در آمیخته بود و گفتار را با کردار قرین ساخته بود. سالها در درس میرزا شرکت کرد و با وی به خانه خدا مشرف شد... سرانجام در مشهد ساکن شد و در آن جا به بیدار کردن غافلان و هدایت گمراهان و نشراحکام دین مشغول بود. مشرف شد (وگویا در آن جا قصد توطن داشت ) که مجدداو را به بازگشت به خراسان ملزم کرد. و وی بازگشت] 14 .  **مبلغان شرائط**  در نظر میرز فی نفسه ارزش نداشت . بلکه آنچه به تبلیغ ارزش می داد و به آن قداست می بخشید خصوصیات مبلغان بود. زیرا دراین صورت است که تبلغ موثر می افتد و مردم هدایت می شوند. مبلغ بی عمل و بی تقوی نه تنها مردم را هدایت نمی کند که بر گمراهی آنان می افزاید.  با دقت در زندگی مبلغان اعزامی از طرف میرز به صفاتی همچون : تقوی علم کاردانی و مردمداری بر می خوریم که وجوداینها در فرد مبلغ کارساز خواهد بود و عوامل و موجبات هدایت را فراهم خواهد ساخت و فقدان هر یک ستونی ازارکان هدایتگری را مختل خواهد ساخت .  دراحوال شیخ اسماعیل سمنانی که از دست پروردگان مکتب سامراست آمده است :  [بعدازاین که در حداعلایی از مراتب علمی قرار گرفت میرزااو را به سمنان گسیل داشت . در آن ج به لحاظ جامعیتش در علوم عقلی و نقلی و نیز فنون بسیار دیگر به[ ارسطو]اشتهار یافت . نهایت تقوی و پرهیزگاری را داشت واز وجوه شرعی برای گذراندن زندگی هیچ استفاده نمی برد بلکه به اجرتی که از عبادات استیجاری دریافت می نمود همراه با قناعت بسیاراکتفا می کرد] 15 .  دراحوال سید عبدالحسین لاری از فرستادگان میرزا به لار نوشته اند:  [ او در درس مجدد شرکت کرد و در فقه به مقامات بالا نائل آمد و بیش از دیگران مورد عنایت میرزا قرار گرفت ...  میرزااو راز بین صدها تن از طلاب فاضل انتخاب کرد و به وکالت به منطقه لاراعزام کرد. طبقات مختلف مردم به او روی آوردند واو به نحو شایسته به رهبری مردم پرداخت . به خصومات پایان می داد و در ترویج احکام و شعائر دینی کوشا بود.  طلاب آن دیار گمشده خود را در وی یافتند گرداو را گرفتند واز علومش بهره ها بردند] 16 .  میرزای شیرازی که از مجاهدتها و فداکاریهای سید بسیار خوشنود بود با وجود شناختی که از منطقه فارس داشت اخبار سید را تعقیب می کرد. بدین جهت درنامه ای که یک سال بعداز ورود سید به ایران به وی می نویسداز مقام شامخ سید پرده بر می دارد واز گامهایی که وی در راه ترویج دین وامر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با کفر و زندقه و مجاهدت در راه اسلام برداشته است تقدیر نموده است . 17  کسانی که مردمدار نبودند گر چه در علم و دانش سرآمد بودند تایید نمی کرد لذا به یکی از شاگردانش که عازم وطن خود بوداجازه اجتهاد نداد و به او فرمود:  [گر چه ملا و مجتهد هستید ولی چون اخلاق خوب و مردمداری ندارید این اجازه به نفع شما نخواهد بود] 18 .  **توجه به نویسندگان واهل قلم**  کتابت و نویسندگی از دیربازاز عوامل اصلی نشر و صدور فکر و اندیشه بوده و هست . آنجا که زبان عاجزاز رساندن پیام می شود قلم به میدان می آید و حقایق را دراین و ن جا می گستراند واندیشه های صاحب قلم را دراوراق تاریخ ماندگار می کند.  دراسلام به فن نوشتن بسیاراهمیت داده شده است . سوگند به قلم 19 برتر شمردن مداد عالمان از خون شهیدان 20 و ...ازاین مقوله است .  عالمان بیش از هر وسیله در تبیین اسلام و تشیع و دفاع ازارزشها از قلم مدد گرفته اند. میرزا به ارزش نوشتن واقف بود و نویسندگان متعهد را به نوشتن تشویق واز آنان قدردانی می کرداز جمله :  تشویق مرحوم حاج میرزا هادی دولت آبادی به نوشتن کتاب اعتقادی . 20 مدح و ستایش از سیدمحمد نجفی مولف کتاب : [ هدایه المجاهدین فی ردالشیخیه] 21 .  و تجلیل از کتاب[ عبقات] بدین شرح :  [کتاب عبقات که از حسنات این دهر و غنائم این زمان است بر هر مسلم متدین لازم است که در تکمیل عقاید واصلاح مفاسد خود به آن کتاب مبارک رجوع نماید واستفاده نماید و بر هر کس به هر نحو می تواند در نشر و ترویج آن به اعتقاداحقر باید سعی و کوشش را فرو گذاشت ندارد] 22 .  و در نامه دیگر به فرزند برومند حامدحسین جناب ناصرحسین که خود مولف و در نشر آثار پدر بزرگوارش کوشا بوداز زحمات وی تقدیر کرده است واهمیت نشر و آثار بزرگان را متذکر می شود. در قسمتی از نامه آمده است :  به عرض می رساندان شاءالله پیوسته در حمایت باری تعالی جلت عظمته از کافه بلاها محفوظ و به عین عنایت والطاف خاصه حضرت امام عصر عجل الله فرجه و صلی الله علیه و علی آبائه الطاهرین محفوظ بوده همواره در تشیید مبانی یقین و نشر و ترویج آثار دین مبین موید و مسدد باشید. رقیمه شریفه که با ضمیمه یک مجلد کتاب [حدیث طیر]از مجلدات کتاب مستطاب عبقات الانوار تالیف جناب علامه نافذ والد ماجداعلی الله مقامه و رفع فی الخلداعلامه ارسال داشته بودید ملاحظه شد.  خداوند عالم جل ثناوه و عظم آلائه به جمیع نعم و آلاء که به اهل اسلام عطا فرموده خاصه به نعمت بزرگ وجود علماء راشدین مانند جناب مولی مرحوم طاب ثراه و جعل الجنه مثواه که در راه اعلای کلمه دین والغاء کید مضلین رنجها برده زحمتها کشیده اند تا بحمدالله تعالی به میامن مساعی جمیله که در مقام رفع شکوک و شبهات مضلین و شبهات شیاطین و نقض وابرام با معاندین مبذول داشته منهج مستقیم هدایت و سداد برای ضعفای شیعه ایضاح فرموده و مبانی محکمه ایمان وایقان را مشید و متضد گردانیده شکر می کنیم واز درگاه ربانی مسالت می نمایم که درجات آن مرحوم و سایر علماءاعلام رضوان الله علیهم را مضاعف فرماید و آن جناب و سایرین ر که در مقام نصرت و تقویت دین حق بذل جهد و همت داشته و دارند بر عمر و عزت و توفیقات خاصه بیفزاید. انه قریب مجیب .  معلوم است البته دراستخراج سایر مجلدات این کتاب مستطاب چنانچه شاید و بایداهتمام داشته و دارید.ان شاءالله تعالی موید و مسدد خواهید بود.  پیوسته داعی دوام تایید و توفیق و تشدید آن جناب ادام الله تعالی مجده بوده و متوقع دعا می باشم .  اطال الله بقاء کم و متع الله بوجود کم والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته 23 .  اهمیت مکتب سامراء به تبلیغ و نشراسلام باعث شد که طلاب و عالمان برای نشراسلام به خروش آیند و در جبهات مختلف تبلیغی همچون خطابه و قلم و... به گسترش اسلام دست یازند. خطیبان توانا و نویسندگان چیره دست درایران و عراق و هند به گسترش اسلام و معرفی تشیع که در زیر بمباردمان تبلیغاتی وهابیت از سویی و استشراق غربی ازسوی دیگر قرار داشت پرداختند و مظلومیت اسلام قرآن واهل البیت را بر همگان آشکار کردند.اگر بگوئیم بعداز غیبت کبری یعنی دوران مرحوم شیخ صدوق و طوسی و مفیداین دوران مهمترین نقش را در معرفی تشیع و مکتب اهل بیت داشته است گزاف نگفته ایم . نویسندگان و خطیبانی همچون : مرحوم سیدحسن صدر سید محسن امین شریف الدین عاملی کاشف الغطاء محمد جواد بلاغی شیخ محسن شراره آقا بزرگ تهرانی علامه امینی محمدرضا مظفر کاشانی و...از فارغ التحصیلان مکتب سامراء بودند که توانستند جلو تهاجمات فرهنگی دشمن را سد کنند و در جبهه های وسیع به پهنه همه عالم اسلام بر دستاوردهای دشمنان اسلام واهل بیت یورش ببرند و رشته های آنان را پنبه کنند. در آن زمان استمار حرکت فرهنگی خود را برای درهم کوبیدن بنیانهای فرهنگی اسلام و تشیع در سطحی وسیع به انتشار کتب الحادی و ایجاد مدارس گمراه کننده مبادرت ورزید و دراین راه به پیشرفتهای بزرگی دست یافت . یکی از معاصران میرز دراین باره نوشته است:  [ در آن عصر کتب گمراه کننده والحادی بر عراق و سایر ممالک اسلامی هجوم آورد.استعمارگران انگلیسی بعدازاشتغال عراق به منظور گمراه کردن جوانان به ایجاد مدارس مبادرت ورزیدند. کتابهای گمراه کنند با هدف ترویج مادیت گسترش یافت . تا آن جا که جوانان ازاسلام بی خبر مانده و دینشان رااز ناحیه اسلام اسمی پدر و مادر می شناختند] 24 .  در مقابل این هجوم بود که علماء بزرگ در جبهه های مختلف همچون : خطابه ایجاد مدارس نوشتن کتاب و... حرکت فرهنگی خود را شروع کردند. سیدشرف الدین در خطابه مقامی عظیم داشت . سخنرانیها و خطابه های اواز مطالب پرارج و عالی سرشار بود. بر علومی همچون : ادبیات شعر تاریخ تفسیر منطق و... تسلط داشت و در فن مناظره و نقد و تالیف مبتکر.  مرحوم آقا بزرگ درباره اش می نویسد:  [شرف الدین ازافتخارات این روزگاراست و یکی از آیات بزرگ خداست که در عصر حاضر طلوع کرده است . برای این سده اسلامی همین بس که این نابغه یگانه در آن ظهور کرده است . وبرای جبل عامل همین بس که پایگاه این پرجم افراشته دین واین نیروی گسترده هدایت است یعنی یادگار خاندان وحی شرف الدین کسی که با دانش گسترده خویش بر همتایان فائق آمد و نیز با بیان روشن و وزین و پرتوان واستدلال فلج کننده و سبک استوار و تحریر رثیق و دست یافتن به مطالب والا و دقایق دیرباب و مقاصد گرانمایه ...  شرف الدین علاوه بر همه صفات نیکو... مجاهدی است نستوه در راه دین و مبارزی است پیوسته در سنگر حق . گواه او خامه و قلم اوست] 25 .  در هنگامه ای که افرادی همچون :احمدامین مصری جرجی زیدان و... شیعه را هدف قرار داده و می گفتند:  [ ان الشیعه لیس لها موفات یستفید بها خلفهم فی شتی العلوم و لاجرم انهم متطفلون علی موائد غیرهم متسولون من البعداء متکففون فی علومهم] 26 .  شیعه نوشته ای به جای نگذاشته است که آیندگانشان از آن استفاده کنند لاجرم آنان بر سفره دیگران فرود می آیند.  نویسندگان توان همچون : سیدحسن صدر سیدمحسن امین و آقا بزرگ به میدان می آیند و با تحمل رنجهای بسیار و صرف عمر و مسافرتهای بسیار در سرتاسر بلاداسلامی به تحقیق و تفحص درباره آثار و رجال شیعه می پردازند. هر یک زاویه ای از علوم و معارف اسلامی ر به بوته تحقیق و بررسی می گذارد. دراین کندو کاو عمیق و پردامنه رجال شیعی ر که در بسیاری از دانشه پیشگام و مؤسس بوده اند به عنوان چهره های علمی به جهانیان معرفی می کنند و ثابت می کنند که این دیگران بوده اند که بر سفره تشیع فرود آمده اند وازاین خوان بهره گرفته اند.  مرحوم محمدجواد بلاغی در عقاید و دفاع ازاسلام در مقابل اتهامات مستشرقین و یهود و نصاری به تحقیق می پردازد. و با تحمل رنجهای بسیار و یادگیری لغت عبری و... با بلاغت و فصاحت تمام به نقد دستاویزهای اهل کتاب می پردازد.  مرحوم سیدحسن صدر در همین باره به تالیف[ کشف الظنون] و[ ابراهین الجلیه] اقدام می کند] 27 .  سیدعبدالحسین لاری[ معارف السلمانی] را که درباره علم امام است تالیف می کند 28 .  سیدعبدالحسین هاشمی از بزرگان تلامذه میرزا در سامراء کتابی در رد بابیه می نویسد. 29  شیخ محمدحسن قائنی که دائما در سنگر دفاع ازاسلام به سر می برد در همین موضوع کتابی به رشته تحریر در می آورد. 30  شیخ میرزاابراهیم محلاتی از شاگردان نجف و سامراء میرز رساله ای در رد بر شیخیه عرضه می کند. 31  در بعد سیاست مرحوم نائینی مرحوم سید عبدالحسین لاری مرحوم شیخ فضل الله نوری به تبیین اندیشه های سیاسی اسلام می پردازند. 32  در بعداخلاق مرحوم سیدحسین همدانی به تالیف[ تنبیه الراقدین] و شرح[ زیارت جامعه] می پردازد. 33  مرحوم میرزاابوالفضل تهرانی [ مکارم الاخلاق و مشارق الشموس] را می نویسد. 34  مرحوم سیدمحمدعلی شاه عبدالعظیمی دراخلاق کتب بسیاری را تالیف می کنداز جمله:[ الایقاد والایقاظ و موعظه السالکین] را می توان نام برد. 35  در زمینه رجال و تراجم مرحوم آقا بزرگ و سیدحسن صدر و سیدمحسن امین که از دست پروردگان مستقیم مکتب سامراء هستند دارای صدها تالیف می باشند 36 .  علاوه مرحوم شیخ علی العلیاری از تلامذه مشترک میرزا و دیگران [بهجه الامال] را در علم رجال نوشته است 37 .  شیخ علی اکبر نهاوندی و شیخ عباس کاشف الغطاء نیز که از تلامذه میرزا هستند دراین زمینه دارای تالیف می باشند. 38  سیدآقاز قدماء تلامیذ میرز کتاب [طبقات المشایخ و العلماء] را تالیف کرده است .این کتاب در بردارنده علمای عصر غیبت تا عصر خود مولف می باشد. 39  در زمینه فقه و اصول دهها نفراز شاگردان میرز دارای تالیف هستند. 40  در بعد تربیت مبلغ واستفاده از روشهای نوین تبلیغی گامهای بزرگی برداشته می شود. در نجف بزرگانی همچون : مرحوم مظفر شیخ اسحاق رشتی فرزند مرحوم میرزای رشتی شیخ محمدتقی خلیلی فرزند حاج میرزا حسین خلیلی میرزا مهدی و میرزااحمد فرزندان آخوند خراسانی و مرحوم کاشانی در راه بهره برداری از روشهای نوین تبلیغی واستفاده از علوم جدید حرکتهایی انجام می دهند.از جمله :  1.ایجاد مدرسه علویه در نجف .  دراین مدرسه علاوه بر علوم دینی علوم جدید مثل : ریاضیات جامه شناسی و طب و زبان فرانسه انگلیسی ترکی فارسی و... تدریس می شد.  این مدرسه برای تدریس از فارغ التحصیلان دانشگاههای خارج عراق که به فراگیری فقه به نجف آمده بودند بهره می گرفت . بودجه آن از سهم امام بنابر فتوایی که از مرحوم آخوند خراسانی و میرزاحسین خلیلی گرفته شده بود تامین می شد.  این مدرسه گامهای بزرگی در رشد فرهنگی و تبلیغی اسلام و حوزه نجف برداشت 41 .  2.منتدی النشر مدارس  اندیشه منشا تحول در حوزه های علمیه برنامه ریزی برای تدریس امتحان طلاب و دگرگونی کتب درسی[ جمعیت منتدی النشر]است . این جمعیت توسط عده ای از بزرگان نجف پی ریزی گردید. و هدف آن جمع بین علوم جدید و قدیم در حوزه ها بود و دراین سمت و سو حرکت فرهنگی وسیعی را تعقیب می کرد.از برنامه هایی که این جمعیت تعقیب کرده و گویااولین برنامه در نوع خود در تاریخ عراق است تربیت خطیب و ایجاد رشته ای در مدرسه برای تدریس کیفیت خطابه و شرائط تبلیغی بود. این رشته با مخالفت گسترده برخی از خطیبانی روبه رو شد 2 زیرااین عده حاضر نبودند محدودیتهای نظم و برنامه را قبول کنند.این مخالفتها و لجاجتها تا آن جا پیش رفت که درس خطابه از برنامه مدرسه حدف شد. موسس این مرکز مرحوم شیخ محمدرضا مظفر بود. 42  علاوه براین مدارس زیادی در نجف وایران بااین فکر و برنامه در حال تشکل بودند که اکنون مجال بحث نیست .  **ادبیات و شعر در مکتب سامراء**  ادبیات و هنر به معنای وسیع آن در روح و روان انسان جایگاه ویژه ای دارد. روح انسان برای تعالی و کامل نیازمند دقایق و لطایف و ظرائف هنر راستین است . بهره گیری ازادبیات و هنر برای مکاتبی که داعیه دعوت و هدایت مردم را دارند بسیاراهمیت دارد. برای فهم سخن دیگران و فهماندن سخن خود به دیگران ناگزیر بایداز کانال هنر گذر کرد. آثاری که ارزش هنری وادبی داشته اند ماندگار شده اند. کتب علمی بی بهره از ظرائف هنری ادبی و متروک می مانده و جایگاه واقعی خود را نیافته اند. رمز جاودانگی قرآن و نهج البلاغه راز جمله درادبیات آنها باید جست .  شعر و شاعری در میان جلوه های ادب و هنر جلوه ای خاص دارد. شعر تجلی روح و زبان پنهان آن است . شعر با کنایات و رموز با جهان خارج سخن می گوید. شعر زبان رسای یک فرهنگ واندیشه است . قرآن شعر متعهد 44.و صالح را تثبیت فرموده 43 و پیامبر آن را به حکمت تعبیر نموده است .  در کنار پیامبر شاعران بسیاری همچون : حسام بن ثابت کعب بن مالک عبدالله بن رواحه عباس واروی بنت عبدالمطلب 45 بودند که هر یک در جبهه ای خاص فعالیت می کردند و فضائل اسلام را منتشر می ساختند و به دشمنان اسلام پاسخ می دادند.  ائمه ( ع ) نیزاز شاعران متعهد تجلیل می فرمودند.  علامه امینی در فصل [الشعر والشعراء عندالائمه] در کتاب الغدیر موارد بسیاری رااز برخوردهای ائمه با شاعران نقل می کند.از جمله می نویسد:  ائمه ( ع ) پیروی از پیامبر(ص )از شاعران متعهد تجلیل می کردند. دلهای افراد جامعه از شعر شاعران اهل بیت نرم می شد و مناقب و فضائل آنان باارواح و جانهای مردم در می آمیخت . شعراءاز هرسو آهنگ اهل بیت می کردند.ائمه نیز با کمال احترام و تجلیل فراوان از آنان پذیرائی می کردند. برایشان دعا کرده و برای بازخوانی شعرشان مجلس می گرفتند وانواع پاداش و هدایا را بدیشان تقدیم می داشتند و خلل های شعری آنان ر دراسلوب و نظم تذکر می دادند.این یکی ازاسرار تطور و تکامل ادب شعری بود.  این محفل نهادن برای شاعران و گوش دادن به شعر آنان و صرف عمر گرانبها دراین مجالس نشانه اهمیت ائمه به شعر و شاعری و تقرب و طاعت شمردن آن است . چه بسا که گاه بر عبادت و دعا نیز پیشی گیرد. این مطلب از گفتار و کردارامام صادق در برابر قصیده [ هاشمیات] کمیت 46 روشن می شود: کمیت درایام تشریق حج در منی برامام وارد شد.  گفت : فدایت شوم آیا برایت شعر نگویم ؟امام فرمود: روزهای بزرگی است .  کمیت گفت : درباره شماست .  امام چون این را شنیده نزدیکانش را فراخواند و به کمیت گفت : بیاور.  کمیت قصیده لامیه راز قصیده بلند هاشمیات انشاء کرد.  امام بسیار خوشنود شد. برایش دعا کرد هزار دینار با جامه ای به وی صله داد.  سپس علامه امینی می افزاید:  تاثیر شعر در جامعه و دلهای دوست و دشمن امامان را بر آن داشت که از برخی لغزشهای شخصی شعراء چشم پوشی کنند و برای آنان از خداوند مغفرت بطلبند و دلهای آنان را نرم کنند و بر صراط هدایتشان نگهدارند. 47  چنین بود که قصاید شعراءاهل بیت همچون : فرزدق کمیت اسدی سیداسماعیل حمیری دعبل خزاعی ابوفراس همدانی سفیان عبدی و... نقش بسزایی در گسترش ولایت اهل بیت ایفا کرد و شاعران در روزگاران و حشت مروانی و عباسی چوبه دار را بر دوش حمل کردند و مظلومیت فاطمه و علی و شهدای کربلا و فخ را فریاد کردند و با زبان شعر فضائل علی را به هر سو بردند و قلبها و روانها را تصرف کردند و لباس زهد و تقدس را بر تن جلادان اموی و عباسی دریدند و ماهیت پلیدشان را بر ملا کردند. چنین است که شعراهمیت خود را آشکار می سازد .  شعر وادب علاوه بر تاثیر تبلیغی و هدایتگری آن در فهم متون عرب قرآن و روایات نیز موثراست . تا جایی که به فرموده علامه سیدحسین طباطبائی :  ویستجل ان یکون مجتهدا فقیها فیهااذا لم یکن به ید فی الادب 48  کسی که دستی درادبیات ندارد محال است که مجتهد و فقیه باشد.  براین اساس عالمان بزرگ نیز به شعر شاعری اهمیت داده بسیاری از آنان طبع شعر داشته و دراین باره تالیف دارند. به تعبیر علامه امینی :  [ و کانوا یتبعون منهاج ائمتهم فی الاحتفاء بشاعرهم و تقدیره والاثابه علی عمله والشکر له بکل قول و کرامه و کانوا یحتفظون بهذه المغازی بالتالیف فی الشعر و فنونه و یعدونه من واجبهم کما کانوا یولفون فی الفقه و سایرالعلوم الدینیه] 49 .  عالمان دراین راه (شعر) راه ائمه را می رفتند. به شاعران هدایا داده واز آنان تقدیر می کردند واز کار شاعر با گفتار و کردار سپاسگزاری می کردند و بر تالیف شعر و فنون آن محافظت می نمودند و آن رااز واجبات دینی قلمداد می کردند همان طور که در فقه و سایر علوم دینی تالیف داشتند.  دراین راست علامه از عالمان بسیاری نام می برد که از زبان شعر سود جسته و دراین باره تالیف داشته اند.از جمله : مرحوم کلینی شیخ صدوق جلودی عیاشی ابوالحسن شمشاطی 50 شیخ مفید سیدبحرالعلوم کاشف الغطاء و میرزای شیرازی .  درادامه مکتب سامراء راادامه خطامامان اهل بیت می داند.  به راستی چنین بود. میرز به شیوه های هنری وادبی اهمیت می داد و از ن به شوق می آمد. خود خطی نیکو داشت و به نویسندگی و کتب ادبی و شعرارج می نهاد. به ظرایف نویسندگی و پختگی کلام و تسلط علمی نویسنده همراه بااخلاص که شرائط اصلی نویسندگان است توجه داشت .  میرز درارزیابی کتاب عبقات در نامه ای چنین می نویسد:  [من در کتاب شم مطالب عالی وارجمند خواندم . نسیم خوش تحقیقاتی که شما برای پیدا کردن این مطالب به کار برده اید بر هر مشک پرورده و معجوم دماغپروری برتری دارد. عبارات رسای کتاب دلیل پختگی نویسنده است . واشارات جهل زدای آن مایه دقت و آموختن . و چگونه چنین نباشد؟ در حالی که کتاب از سرچشمه های فکری تابناک نشات گرفته و به دست مجسمه اخلاص و تقوی تالیف یافته است . آری کتاب بایدازاین دست باشد و مولف ازاین گونه ... واگر غیرازاین باشد هرگز مباد و مباد] 51 .  محقق گرانقدر شیعی استاد محمدرضا حکیمی پس از نقل این عبارت می نویسد:  [در سخنان میرزای بزرگ تامل کنید! که چگونه به ابعاد گوناگون کار توجه مبذول می دارد. هم جوانب کار پختگی و تحقیقات و تسلط علمی مولف را می ستاید و عبارات و چگونگی اداء و تعبیر راه و هم اخلاص کار را. و سپس اضافه می کند که اگر کاری جزاین باشد مباد.اگر کار و تالیفی به نام دین ازارزشهای فنی برخوردار نباشداگر شعر و نوشته ای در حدی که باید نباشد هرگز مباد که جز زیان چیزی نخواهد داشت].  میرز در جهت هنر شعر نیز صاحب نظر بود. شعر می گفت و شاعران را دوست می داشت .  [کان ادیبا یحب اشعر وانشاده] 52  اوادیب بود و شعر و شعر گفتن را دوست می داشت .  به شاعران متعهداهمیت می دادازاین روی شاعران از هر سو آهنگ سامرا کردند و بازارادب و شعر در عصر وی رواج یافت و قصاید بلند ادبی سروده شد.  [یحب الشعر وانشاده و یجیز علیه و لذلک قصده الشعراء من سایر البلاد عربا و عجما کما راجت فی ایامه بضاعه الادب واشتهر باکرامه للشعراء و هباته له] 53 .  میرز شعر را دوست داشت و بر آن جایزه می دادازاین روی شعرای عرب و عجم از هر سو آهنگش کردند و بازارادب و در عصری وی رواج یافت . و میرز به اکرام شاعران شهرت یافت .  مرحوم شیخ حسن کبه 54از علماء بزرگ و شاعران توانای بغداد در نزد میرزا همان جایگاهی را داشت که مرحوم محمدکاظم اذری نزد بحرالعلوم . 55  مرحوم علامه امینی می نویسد:  شاعران توانای شیعه سیدحیدر حلی بر میرزای شیرازی وارد می شد و شعر می سرود. یکبار شعری خواند میرزا خواست بیست لیره عثمانی به او صله بدهد.این را با پسرعمویش حاج میرزااسماعیل شیرازی در میان گذاشت .  وی گفت :این مبلغ کم است . سیدحیدر شاعراهل بیت است .اواز دعبل و حمیری و همانندایشان برتراست .ائمه به آن شاعران کیسه های زر و همیانهای پر صله می داده اند.  میرزا پرسید: چقدر مناسب است ؟  وی گفت : سزاواراست که شما به دست خویش صد لیره به شاعر مرحمت کنید.  این بود که میرزا به دیدار سیدحیدر علی رفت و بااحترام بسیار صد لیره عثمانی به او صله داد .  علامه سپس اضافه می کند:  و قبل ید شاعراهل البیت . حکاه جمع ممن ادرک ذلک العصرالذهبی و منهم خلفه الصالح آیه الله میرزا علی آغاالذی خلف والده علی تلک المجالس الفخریه والمجتمعات واستنشادالشعر والاصاخه الیه والتقدیر والترحیب فی النجف الاشرف 56 .  و دست شاعراهل بیت را بوسید.این مطلب را گروهی از کسانی که آن عصر طلایی را درک کرده اند نقل کردند.از جمله : فرزند صالح میرز میرزا علی آق که در مجالس و محافل شعری و تقدیراز شاعران و طلب انشاء شعر جانشین و نماینده پدر بود.  مرحوم آقا بزرگ می نویسد:  [میرز در فوت مرحوم سیدحیدر حلی سه روز دروس حوزه را تعطیل کرد] 57 .  استاد میرز مرحوم صاحب جواهر نیز طبع شعر داشته واز وی اشعاری نقل شده است .  مرحوم ثقه الاسلام نوری می نویسد:  و کان له مع ما علیه من الکمالات المعنویه والصفات الالهیه قوه الشعر والنظم و تقلوا عنه ابیاتا رائقه نتبرک و قلیل منها... 58.التی یرث بهاناموس الدهر و نائب امام العصر( ع ) العلامه الطباطبایی .  صاحب جواهر با همه جلالت و صفات خدائی اش طبع شعر و نظم داشت .از وی اشعاری در مرثیه علامه طباطبائی بحرالعلوم نقل شده است .  و نیز صاحب جواهر آرزو می کرد قصیده هائیه فاضل اوحدی مادح ال محمد جناب شیخ از ری در نامه عمل او نوشته شود. 59 و میرزااین سیره را به یادگار داشت .  در آن عصر گر چه مجالس شعری وادبی در نقاط مختلف عراق چون بغداد و حله و نجف وجود داشت ولی تجلیل از شعر و شرکت در مجالس ادبی از جانب مرجعی بزرگ چون میرزای شیرازی بسیار نادر بود.  اهتمام میرز موجب شد که علماء بیش از پیش به شهر روی آورند و طبع شعری خود را تقویت کنند. ( البته بعداز میرز به تدریج شعراهمیت پیشین خود را در مجالس علماءاز دست داد.  ( علمایی که طبع شعر داشته اند بسیارنداز جمله :  سیداسماعیل صدر پسر عموی میرزا و شاگرد وی . وی در عین فقاهت ادیبی سرآمد و شاعری بزرگ بود و در مدح و مراثی اهل بیت شعر و بسیار سروده است .  مرحوم سیدمحمدتقی شیرازی که به ادب و شعراهمیت می داد.  مولی رشید دزفولی از شاگردان میرزا در نجف و سامراء. وی علاوه بر تبحر در علوم دینی ادیبی ماهر و شاعری توانا بود. با نظمی روان شعر می سرود. دیوانش به طبع رسیده است 60 .  شیخ عبدالله کرمانی از تلامذه میرزا. دو دیوان شعراز وی به یادگار مانده است . 61  سید عدنان غریقی دارای دریایی ازاشعار زیبا. 62  شیخ عباس کاشف الغطاءاز شاگردان میرزا. وی در شعر سهی وافر داشت .ازایشان منظومه ای فی شرح الدره تالیف مرحوم بحرالعلوم به یادگار مانده و منظومه هایی دراحکام دارد که مورداستقبال مردم قرار گرفت و عده ا به لحاظ سهولت آنها را حفظ کردند. 63  علاوه سیدشرف الدین . 64  کاشف الغطاء. 65  سیدکاظم یزدی 66 حاج میرزا حبیب الله خراسانی . 67  سیدمهدی گلستانه . 68  سیدصدرالدین صدر. 69  کمپانی .  آیه الله میلانی . 70  امام خمینی .  **پاورقی ها:**  1. جواهر ج 1 مقدمه .16.  2. معارف الرجال ج 3.41.  3. مجله حوزه شماره 24.33.  4. همان مدرک شماره 33.38.  5. معارف الرجال ج 1.362.  6. نقباءالبشر ج 3.1375.  7. کرام البرره ج 1.191.  8. اعیان الشیعه ج 32.17.  9. نجوم السماء ج 2.286.  10. روزنامه جمهوری اسلامی 69/12/13.  11.میرزای شیرازی .130.این کتاب ترجمه هدیه الرازی الی الامام المجددالشیرازی است که توسط وزارت ارشاداسلامی در تیر ماه سال 1362 ترجمه و منتشر شده است . نقل مااز ترجمه می باشدازاین روی ازاین پس به صورت : میرزای شیرازی از آن یاد خواهیم کرد.  12. همان مدرک .112.  13. نقباءالبشر ج 2.631.  14. همان مدرک ج 4.1322.  15. میرزای شیرازی .113.  16. نقباءالبشر ج 3.1048.  17. سیری درافکار و مبارزات سید عبدالحسین لاری .36 به نقل از علم الامام تالیف قاضی طباطبایی .19.  18. مجله حوزه شماره 34.73.  19. سوره قلم آیه 1.  20. حیات یحیی ج 1.74.  21. میرزای شیرازی 192.  22. عبقات الانوار ج 6.1236 طبع قدیم .  23. نجوم السماء ج 2.292.  24. معارف الرجال ج 1.80.  25. نقباءالبشر ج 3.1083.  26. الذریعه ج 1. مقدمه .  27. نقباءالبشر ج 1.448.  28. همان مدرک ج 3.1049.  29. همان مدرک .1068.  30. همان مدرک ج 1.371.  31. همان مدرک 22. لازم به تذکراست که طبق تفحص از کتب تراجم بیش از بیست نفراز شاگردان بزرگ میرز درباره عقیاد و کلام دارای تالیفات متنوع اند.  32. مرحوم نائینی تنبیه الامه مرحوم شیخ فضل الله رساله تذکره القافل وارشادالجاهل مرحوم لاری مشروطه مشروعه و شیخ حسن کربلایی قرارداد رژی را تالیف کرده اند.  33. میرزای شیرازی .14.  34. همان مدرک .104.  35. نقباءالبشر ج 4.1533.  36. مرحوم سیدحسن صدر تاسیس الشیعه مرحوم امین اعیان الشیعه و مرحوم آقا بزرگ الذریعه را تالیف کرده اند.  37. نقباءالبشر ج 4.1478.  38. همان مدرک ج 3.996.  39. اعیان الشیعه ج 33.99.  40.در زمینه فقه واصول بیش از هیجده نفراز تلامذه میرز نامشان در مقررین درس مجدد به ثبت رسیده است و بیش از سی نفر دراین زمینه دارای تالیف مستقل هستند.  41. موسوعه العتبات المقدسه ج 7 بخش دوم .182.  42. همان مدرک .  43. سوره شعراء آیه 227.  44. سنن ابن ماجه ج 2.1235.  45. الغدیر ج 2.17. علامه امینی اسامی بیش از سی و سه نفراز اصحاب پیامبر که شعر می سرودند نقل می کند.  46.کمیت از شاعران شیعی بود که در علوم ادبی و روایت سرآمد اقران خود بود. به جانبداری از تشیع و گسترش آن همواره در تلاش بود. وی باامام سجاد و باقر و صادق ( ع ) مرتبط بود. دیوان هاشمیات او در مدح اهل بیت معروف است .  47. الغدیر ج 2.20.  48. معارف الرجال ج 1.207.  49. الغدیر ج 2.22.  50. عیاشی شیخ ابوالنضر محمدبن مسعود عیاشی صاحب تفسیر معروف (تفسیرعیاشی )است . کتاب معاریض الشعر را نوشته است .  جلودی شیخ ابواحمد عبدالعزیز جلودی پیشوای شیعیان بصره و شخصیت بارز شیعه دراواخر قرن سوم . کتاب ما قیل فی علی ( ع ) من الشعر را تالیف کرده است .  شمشاطی شیخ ابوالحسن شمشاطی از عالمان برجسته شیعه در عراق در قرن چهارم . مولف کتاب مختصر فقه اهل البیت ر.ک . الغدیر ج 2.23.  51.میرحامد حسین محمدرضا حکیمی .143 به نقل از عبقات الانوار ج 6.1236.  52. اعیان الشیعه ج 23.128.  53. نقباءالبشر ج 1.439.  54. معارف الرجال ج 2.241.  55. فوائدالرضویه ج 1.365.  56. الغدیر ج 2.24.  57.نقباءالبشر ج688.2 و عطلت المدارس الدینیه فی النجف و سامرا بامرالسیدالمجدد ثلاثه ایام.  58. خاتمه مستدرک الوسائل .398.  59. مفاتیح الجنان .592 بخش زیارت ائمه بقیع .  60. نقباءالبشر ج 2.725.  61. همان مدرک ج 3.1209.  62. همان مدرک .1265.  63. همان مدرک .996.  64. نقباءالبشر ج 3.1083.  65. شعراءالغری ج 8.183.  66. مجله نور علم شماره 15.81.  67. شیخ آقابزرگ محمدرضا حکیمی .32.  68. معارف الرجال ج 3.135.  69. نور علم شماره 25.146.  70. همان مدرک شماره 7. |